



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس انتصابات - آکبهای رسمی و قانونی

شماره ۱۷۰۸

شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۲۹

سال ششم

شماره مسلسل ۹۶

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۹۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه سوم دی ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

- ۱) قرائت غائبین و طرح صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: آزاد - کشاورز صدر - مکی - حائری زاده
- ۳) تصویب صورت مجلس
- ۴) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر بهداری
- ۵) بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون مخصوص نفت
- ۶) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر است و تلگراف
- ۷) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - قرائت غائبین و طرح صورت مجلس

صورت غیبت و دیر آمدگی آقایان نمایندگان در جلسه صبح پنجشنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۲۹ غائبین با اجازه آقایان: فرهودی، عامری، شوشتری، صاحب جمع، سرتیب زاده، محمد علی مسمودی، محسن طاهری، پیراسته، معین زاده، طباطبائی،

غائبین بی اجازه: آقایان: محمودی، اسکبر، آشتیانی زاده، اقبال، شهاب خسروانی، حبیب پناهی، سود آور، افشار صادقی، شبانی، سنندجی دیر آمدگان با اجازه آقایان: بهادری یکساعت نورالدین امامی یکساعت، کتابادی یکساعت، امامی

اهری یکساعت، دکتر سید امامی دوساعت، متصف ۴۵ دقیقه

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: بهراتی یکساعت

تولیت ۴۵ دقیقه تیمورتاش یکساعت

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش نظری نیست؟ آقای حائری زاده بفرمائید.

حائری زاده - آقای آشتیانی زاده را

دیدم جز غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه عرض است برای معالجه رفته است. نمایانم اطلاع نداده که بی اجازه نوشته اند؟

رئیس - وقتی که گزارش از کمیسیون محاسبات آمد اصلاح میشود دیگر اعتراضی نسبت بصورت

مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس بعد تصویب میشود.

۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان:

آزاد - کشاورز صدر - مکی - حائری زاده

رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند، آقای آزاد بفرمائید.

کشاورز صدر - جناب آقای رئیس ایشان

مقداری از وقتشان را ببنده داده اند.

آزاد - البته آقایان محترم اطلاع دارند که

ما چند شب است در مجلس میخوابیم از دیروز هم

یک عده زیادی از مدیران جراید آمده اند در مجلس

متحصن شده اند ولی شاید آقایان محترم ندانند علت

اینکه ما آمده ایم در مجلس متحصن شده ایم چیست

میخواهم علت را برض آقایان محترم برسانم ما آمده ایم

در مجلس متحصن شده ایم برای اینکه حقی را که

در ۱۵۰ سال قبل جامعه بشر با صد ها هزار ریختن

خون بدست آورده است امروز در ایران ما آن حق

را مطالبه کنیم مادر اینجا آمده ایم مطالبه یک حق

را میکنیم که منشور ملل متفق آن حق را برای تمام

حکومتهاى دمکراسی تضمین و محقق کرده است

عرض کنم آن حق را که بنده میخواهم عرض کنم

قانون اساسی ایران هم بملت ایران داده است ولی

متأسفانه این حق همیشه از طرف دولتهای وقت حتی

شهربانی و حتی کلانتری مورد تجاوز و تعدی قرار

گرفته است حقی را که امروز ما مطالبه میکنیم عبارت

از این است: اصل نهم متمم قانون اساسی افراد

مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ

و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی

توان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت

معین مینماید، اصل سیزدهم - منزل و خانه هر کس

در حفظ و امان است در هیچ مسکنی آنها را نمیتوان داخل شد

مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده است ۲۰ متمم قانون

اساسی نامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مشرک بقرین

مهرت آزاد و مجری در آنها مشروع است ولی هر گاه چیزی

مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهند

بنا بر بنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود

همین مذاکرات مشروح بود و ششمین جلسه از شانزدهمین دوره قانونگذاری

داره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

زور و قلمروی بیرند بنده این نامه را تقدیم مقام ریاست می‌کنم استعفا می‌کنم از طرف مجلس هم رسیدگی بشود و تکلیف این بدبختها معلوم شود اینها ارباب جرایم این مملکت هستند جرایم هم رکن چهارم مشروطیت است آقایان اگر جرائد نباشند ما اینجا آزادی نداریم و هیچکس در منزلت آزادی ندارد آقای کشاورز صدر آنچه که لازمه آزادی قلم بود فرمودند و گفتند که نیش قلم از توپ و تانک و بسبب اتمی و همه چیز مؤثرتر است شرکت نفت هم بی باین اثر برده که اینطور دارد عمل میکند و هیئت حاکمه مامم مجری اوامر بیگانه هستند که اینطور با ارباب مطبوعات دارند رفتار میکنند یک اعلام خطری هم شده که اعلام تعصن آقایان ارباب جرائد است این راهم چاپ کرده‌اند که بنده تقدیم مقام ریاست میکنم و اگر از وقت بنده چیزی باقی مانده است آقای فقیهزاده می‌توانند استفاده کنند

رئیس - چیزی از وقت شما باقی نمانده است مگر آقای حائری زاده وقت خودشان را بدهند آقای حائری زاده بفرمائید

حائری زاده - بنده در اطراف مطبوعات و این جریانات اخیر چون تمام آقایان چه افراد اکثریت مجلس شورای ملی چه اعضاء مجلس سنا اقدام و مذاکره فرموده‌اند محتاج نیست که بنده بار دیگر بیایم موضوع را مطرح کنم و اختلاف کله‌ای نیست و من نمیدانم چطور می‌شود یک موضوعی که طرف اتفاق مجلسین است دولت چرا توجه نمیکند دولت باید آخر با مجلسین کار کند اگر مجلسین با دولت موافق نباشند دولتی وجود نخواهد داشت و این رویه چیست که من هنوز نمیدانم یک مملکت شتر گاو و پلنگی است من یک موضوعات خیلی کوچکی است که می‌خواهم تذکر بدهم چون شب خوابیده بودم صبح بیدار بودم اسم نویسی کرده بودم که بیایم اینجا صحبت بکنم یکی موضوع مدیر روزنامه است که در بهجهان گرفته‌اند حبس کرده‌اند سید محمد مرتضوی است که مدیر روزنامه فریادبشار است و این کسی است که راجع بآن قاجاها چیزهایی نوشته است و یک مقداری از قاجاها هم که شده اسم برده است او را بیک بهانه‌هایی حبس کرده‌اند او شکایتی کرده است که من را نمی‌گذارند مکتبه بکنم در بودی... پس هستم این را خواستم خدمت آقایان اکثریت تذکر بدهم که حالا که برای مطبوعات کمک میکنند برای این سید بدبختی که در بهجهان بچرم این که حرف زده و چیزی نوشته‌اند می‌بکنید و یاد می‌دهم از او بشود (دکتر بقائی - در حکومت رژیم آرا همه سادات باید بر روند بعین آقای حائری زاده) یک موضوع دیگری از بافت کرمان محمد خوارزمی بنشانیته محترم آنجا آقای ناظرزاده دادم که ایشان وعده دادند کمک بفرمایند و رضایتش را فراهم بیاورند (ناظرزاده - راجع بتأخیر رتبه بود) یک مرالس است مربوط بآن مدیر روزنامه است که خودش نتوانسته مکانی بکند پسرش شکایت کرده است این راهم تقدیم بمقام ریاست میکنم یک موضوع دیگری که خواستم عرض کنم موضوع نفت است چون راجع بنفت من ضمیمه دارم که در مورد اول لازم نیست که

زیاد صحبت بکنیم و بیستهاداتی باید تقدیم بشود در کمیسیون تصمصم بگیرند و در مورد نانی این کار بی سر و صدا و بی هیاهو خاتمه پیدا بکنند ولی مع التاسف دولت قلمها را شکست فشار بآنها وارد آورد و موجب شد که بیشتر در مجلس در اطرافش بحث بشود موقوفه در خارج روزنامه نداریم که مطالب را بسم جهان برسانند باید در مجلس در اطرافش صحبت کنیم من کسی را از ایرانیها سراغ ندارم که طرفدار تضییع حق ملت ایران باشد (صحب است) یک نفر از رجال معمرین می‌گفت ما اگر قناری نمی‌توانیم مثل شما مقاومت بکنیم ولی چاره‌ای غیر از این رویه نیست از بس در این صد و پنجاه سال هر کس برای احقاق حق ملت ایران و بشرف غاصبین حقوق ملت ایران بود برای او انواع بدبختی و شداید پیش آمد کرده است مردم وحشت زده هستند از این ملامروده هنوز می‌ترسند وحشت دارند و الا من نه در این مجلس و نه در مجلس سنا نه در سایر طبقات کسی را سراغ ندارم که دل پر خوبی از وحشت نفت نداشته باشند، تا حالا یک نفر هم نگفته است که خوب است این نفت بدست کمیانی با همین مطالبی که داشته است ادامه پیدا کند تا حالا در اطراف این موضوع یک نفر بامن صحبت نکرده است منتهی حرفها مختلف است، سلیقه‌ها نظرها پیشنهادها متفاوت است پس از بحث زیاد باین نتیجه رسیدیم که رویه‌ای را که حکومت انگلستان خودش درباره خودش میکند چه ضرر دارد که ملت ایران همان رویه را درباره خودش عمل کند. انگلستان صنایع سنگین فولاد و نظایرش را از دست کمیانی‌ها، شرکت‌ها اشخاص گرفت خودش اداره کرد، انقلابی شد در انگلستان، فقط اکثریت مجلس آنجا فکرش عوض شد اکثریتی بود مال بی سرمایه‌دار اکثریت شکست خورد حکومت کاری در آنجا تشکیل شد آمدند همین اصلی را که ما راجع بنفت خودمان می‌خواهیم اجرا کنیم در مملکت خودشان اجرا کردند این چیز تازه ای نیست که یک خطری ایجاد کند ما همان کاری را که ارباب‌های نفت در مملکت خودشان کردند ما هم در مملکت خودمان میکنیم. یک اصل مسلمی است که جناب آقای دکتر شایگان کابلا در اینجا تذکر دادند، توضیح دادند در اسلام این اصل بوده و دنیا هم این اصل را قبول دارد که موقمی که حق حاکمیت پیش آمد کرد حقوق شخصی تحت الشعاع است و گان لم یکن محسوب میشود، در اسلام بحاکمیت شخصی خیلی احترام قائل شده است ولی موقمی که جنک پیش آمد مباراتی که سر راه باشد نخلستانهایی که باشد حتی مسلمین که سیر بشوند برای پیشرفت مقاصد مهم اسلامی این را باید از بین بردارند و بروند جلو، حقوق شخصی در مقابل حق حاکمیت ملی یکشاهی ارزش ندارد، این اصلی است که در اسلام در ۱۳۰۰ سال پیش با مسلمین دستور داده شده، جناب آقای دکتر شایگان آن اصل مقدس که پیش او با همه مقدس است بیان کردند که بنده اصطلاحش را یاد نگرفتم اوضاعیکه کمیانی نفت امروز در ایران پیش آورده است من حساب یکشاهی صدبندار یا پنج شاهی یا کمتر یا بیشتر را که بنا بدهند یا شش شیلیک یا هشتیلیک بدهند بنده هیچوقت پیش خودم آنها را حساب نمیکنم من حق حاکمیت ملت ایران را حساب میکنم که این اوضاع دستگاه یک حکومت

مقتدر سرمایه‌دار در سیلین در وسط یک حکومت ضعیف و متشتت پراکنده‌ای تشکیل شده بدست انگلیس‌ها من با آن مخالف هستم، خواهند گفت آقایان کدر ملی شدن که خود دولت خواسته باشد اداره کند ممکن است منافعی که امروز کمیانی عاید مملکت میکنند این منافع عاید نشود کمتر عاید بشود عرض میکنم هر چه کمتر عاید بشود پیش از آنچه که امروز عاید ما میشود خواهد شد در این شک و تردیدی نداریم بجای اینکه یکدسته بیکار از انگلستان بیایند اینجا ارتزاق کنند، گرسنه ما خیلی داریم که بروند آنجا از این محل ارتزاق کنند و مادر تمام صعیت‌هاش که نسبت بملی شدن نفت میکنیم برای این است که وحشت واضطرابی که ایجاد شده است کمی دانستیم نمیتوانستیم چنین است چنان است از بین بروند شنیدیم یک کسی گفته است که فلان کارخانه‌ها که دولت نتوانسته است اداره کند ما استخراج این دستگاه عظیم را می‌تواند اداره کند، ما استخراج را کشف را می‌کوییم ملی باشد همچین عملی که دولت فعلا عهده‌دار است در غیر آن منطقه جنوب یک شرکت نفت ایرانی مگر دولت درست نکرده مهندسین خارج داخل مگر مشغول کشفیات و استخراج نیستند ما این قسمت را می‌کوییم باید ملی شود و خود دولت بدست خودش باید این کار را بدون این که مزایه بدهد، مناصب بدهد امانت بدهد اجاره بدهد باید خودش مباشرت داشته باشد و انجام بدهد سایر قسمتهای آن صنعت است، تجارتی است، تصفیه خانه می‌خواهیم درست کنیم ممکن است دولت یک شرکتی درست کند نصف سهامش را ملت ایران داشته باشد نصفش را ملل دیگر که یک حکومت و یک دولت در تمام شئون اجتماعی، نافذ و حاکم نباشد می‌خواهید لوله کشی بکنید یک شرکت برای لوله کشی درست کنید، می‌خواهید بندر بسازید، یک شرکت برای بندر سازی درست کنید البته در تمام این شرکتها اقلانف سهامش را دولت باید داشته باشد و این طور که دولت انگلستان و کمیانی‌اش با ما معامله میکنند در آنیه نظایر پیدا نکنند، کمیانی است صاف و بی‌بست کنده بماند گوید اینجا مال من است شما چه می‌خواهید این هم حق السکوت ما عکسش را می‌کوییم، می‌کوییم اینجا مال ما است تو نفت می‌خواهی بخری زرخش هم معلوم است ما نفت می‌فروشیم ما سر حاکمیت دعوا داریم نه اینکه یک شاهی یا صدبندار بنا کم بدهد یا بدهد، می‌کوییم که ملت ایران حاکم اینجا است مالک این جا است مؤثر در اینجا است ما اجاجی با هیچ ملتی در روی زمین نداریم آن مللی هم که با ما خیلی بد کردند موقتی دست از سرشان برداشتنند ما از آنها دیگر گله‌ای نداریم همین روس‌های نزاری جنایتانی در این مملکت آنها مرتکب شدند که هیچ چیز برای هیچکس باقی نگذاشتند یک بانک استقراضی در این مملکت داشتند تمام طبقات مازیر فشار بانک استقراضی بودند آنها از دولت ایران ۷۰ کرور طلب داشته‌اند روز یک بازبهاش در می‌آوردند که بانک تجارت راه‌های شوسه ماویرت یه‌لوی راه آهن ما هر چه داشتیم در اختیار آنها بود در هر شهری یک تاج باشی داشتند که مردم زندگی از دست این تاجر باشیها نداشتند وقتی که آن دستگاه بهم خورد و روس امروزی آمد گفت بلی من وارث دستگاه نزاری هستم و میدانم که آن دستگاه ظلمی بوده است

۳ - تصویب صورت مجلس
رئیس - چون عده کافی است تصویب صورت مجلس جلسه قبل اعلام میشود

۴ - تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر بهداری
رئیس - آقای وزیر بهداری بفرمائید
وزیر بهداری - بنده تقاضا خواستم اجازه آقایان نمایندگان محترم یک لایحه ای محکم بنظر من حائز اهمیت است از اجناس پزشکی تقدیم مجلس شورای ملی بخدمت این لایحه مربوطه بسازمان نظام پزشکی است که در تمام ممالک راقبه دنیا متداول است و برای اختلالاتی که مابین پزشکان و مردم و تعلقات پزشکی است که رسیدگی بکنند همان طور که آقای فرامرزی یک

وقت راجع باین موضوع در سمرقانه روزنامه شان نظریاتی را در این موضوع نوشته بودند این لایحه آن نظر را تأمین میکند تقدیم مجلس شورای ملی می‌کنم (آزاد - ولی اطباء مخالفت کردند) هیچ کس مخالفت نکرده است

۵ - بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون مخصوص نفت

رئیس - بکمیسیون مربوطه فرستاده میشود وارد دستور میشود آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی - در جلسه گذشته متأسفانه چون دیر شروع شد و مطالبی تهیه شده بود که بعضی آقایان محترم برسد برای اینکه وقت مجلس زیاد گرفته نشود باطاعت امریشوای جبهه ملی جناب آقای دکتر مصدق بنده از ذکر آن مطالبی که در نظر گرفته بودم صرف نظر میکنم و فقط رئوس مسائلش را حضور آقایان عرض میکنم کسانی که لازم داشته باشند ممکن است اطلاعات کافی در خارج از مجلس در اطراف این مسائل بختیارشان بگذارم و البته در روزنامه هم نوشته خواهد شد صحبت های پرریوز ما یکی راجع بریشه و ضرورت ملی کردن صنایع نفت در دنیای امروز و یکی لزوم ملی شدن صنعت نفت جنوب ایران که ملی شدن صنعت نفت پایه‌مضر ترین تبلیغات راست خواهد نمود که این قسمت را با اجازه آقایان بررضشان خواهم رسانید و سه مطلب دیگر هم بود یکی اینکه آیا ماهر ضه و لیاقت برای اداره و استخراج نفت داریم یکی هم مطالعه اوضاع بین‌المللی و ملی کردن صنعت نفت ایران و بالاخره سؤالی که آیا نیروی کافی برای ملی کردن صنعت نفت داریم یا نه و طی این عرایض بنده ثابت کرده بودم که اینکار شدنی هست و از هر حیث ما مجوزیم بشرط اینکه خودمان بخواهیم در جلسه گذشته عرایض بنده باین حارسیده بود که سؤال کردم چرا انگلستان انگلستانی که کلبه صنایع مهم را ملی کرده است شرکت نفت جنوب را بچال خودش گذاشته و ملی نکرده است البته جواب این سؤال هم واضح است و آن این است که اگر انگلستان میخواست شرکت نفت جنوب را مثل شرکت های بزرگ دیگر و مثل بانکها مثل صنایع بزرگ ملی بکند این سؤال فوراً پیش می‌آمد که نفت بنفع کی باید ملی شود آیا باید بنفع ملت انگلستان ملی شود یا بنفع ملت ایران و واضح است حظه ایرانیان و حتی مستخدمین و کارگران و کارمندان ایرانی شرکت نفت و تمام ملت ایران عقیده و ایمان دارند که نفت باید بنفع ملت ایران ملی شود ولی از فرار معلوم متلفش هم همینطور است خداوندان و پادشاهان نفت که خودشان در خاک اصلی خودشان هیچ نفی ندارند و قسمت عده منافع دنیا را در اختیار گرفته اند آنها عقیده دارند که باید همه اینها متعلق باینگلستان باشد همانطور که در انگلستان هست متعلق باینگلستان است، شنیدم در اولاد جنگ بین‌المللی گفته که در روسیه انقلاب شده بود البته صحبت بشوئیکها و اینها هم در ایران زیاد شد ولی آن زمان کرمان که اگر اشتباه نکنم جناب آقای حشمت‌الدوله و الانباز بودند یا یکی دیگر از رجال آن دوره از پدرم پرسیده بودند چون شایع شده بود در

کرمان بشوئیک‌هاست البته همه متوحش شده بودند مخصوصاً مأمورین دولت ایشان از پدرم پرسیده بودند که در کرمان بشوئیک هست ؟ در جواب مرحوم پدرم گفتم بودند بلی هست آن والی خیلی متوحش شده بودند و گفته بودند چطور هست مرحوم پدرم گفته بودند بلی هست نهایت بشوئیکهای کرمان باشوئیکهای روسیه یک تفاوتی دارند روسها میگویند همه چیز که همه دارند مال همه و هر چه هم ما داریم مال همه بشوئیکهای کرمان میگویند هر چه همه دارند مال ما هر چه هم ما داریم مال خودمان حالام نظر انگلیسها راجع بملی شدن البته قطعی است که نظر دارند هر چیز که در مملکت خودشان هست مال خودشان است و هر چه هم در سایر جاها هست مال آنهاست و ای کاش این رویه را ما هم تعقیب می‌کردیم و هر چه در مملکتان هست مال خودمان میدانستیم و هر چه در سایر ممالک هست آنرا هم مال خودمان میدانستیم ولی باوجود این که شرکت نفت در انگلستان ملی شده است گذشته از این که نصف بیشتر سهام را دولت انگلستان دارد اگر در نظر بگیریم آن معامله سری آن قرار مغفی را که بین شرکت نفت و امیرالبحری انگلستان هست و مالباثی که شرکت نفت بدولت انگلیس میدهد و سایر درآمدهای دولت انگلیس را از مرز نفت اگر تمام آن ها را حساب کنیم می بینیم آنچه که از نفت ایران عاید خزانه انگلستان میشود بیش از ده برابر مبلغی است که بدولت ایران پرداخت میشود یعنی بصاحب اصلی نفت و فوعلام کاری ندارم باین که توضیح بدهم که همین مبلغ مختصری را که بنا میدهند باچه دسایس و باچه خیلی بدست مزدوران خودشای دوباره از ما پس میگیرند آقایان محترم برای این که توجه بکنند باین موضوع خواهش میکنم جریان قرارداد لکومتیو جریان قرارداد لوله کشی و این ها را در نظر بیاورند و به بینند که چطور این چند لوله‌های که بمانده‌اند خودشان پس می‌گیرند و در مقابلش هم هیچکاری نمیکند یک سؤال دیگری هم کرده بودم و آن این است که اگر صنعت نفت ایران بدست ملت ایران استخراج شده بود آیا باین وسعت میرسید یا خیر البته اولیای شرکت نفت و مزدوران آن این طور وانمود میکنند که ملت ایران خودش نمی‌تواند چنین کاری را بکند و این یک مغفاب بسیار دقیق و بسیار طولانی است که اگر جاقو کشتهای دولت رفوای شهر باقی میجالی دادند انشاء الله بتفصیل خواهم نوشت تا اینکه ثابت کنیم با وضعیت فعلی ایران و با داشتن مهندسین تحصیل کرده و کارگران با تجربه با کمال سهولت و آسانی قادر هستیم که خودمان نفت خودمان را اداره بکنیم موضوعی که با اجازه آقایان من خواستم از صحبتهای قبل بعضی آقایان برسام این بود که ملی شدن صنعت نفت پایه‌مضرترین و خطرناکترین تبلیغات را در این کشور هست خواهد کرد آقایان متأسفانه گفتند در این کشور یک عده افراد بی شخصیت وجود دارند که خودشان را بشوئیکها و خفته‌اند و در مقابل یک عده بی‌شکری هم وجود دارند که آنها خودشان را بوشوئیکها فروخته‌اند این عده خواسته‌اند که این ملور سیاست موازنه برقرار کنند این دست مردم که مثل دسته اول ممال بیگانه هستند متأسفانه موفق شدند که عده‌ای از جوانان با اقل و صمیمی و احساساتی

این کشور را فریب بدهند و در خودشان جمع کرده اند و حالا هم بیش از ۱۵۰ بهمن و بیشتر از آنوقت جمع کرده اند ولی اگر بیایم درست فکر کنیم بلبل پیدایش این جریان مجبور خواهیم بود تصدیق کنیم که تنها در سایه عملیات و فواید شرکت نفت و سیاست شوم استعماری اقتصادی انگلستان و عملیات بی رویه و شتابزده مزدوران انگلیسی است که اینها موفق شدند این جوانان ما را فریب بدهند آن عده از رهبران حزب توده ایران که عامل بیگانه اند همه شان یک عده کمی هستند و بنام مبارزه با استعماری - خواهند کشور ما را از دهن گریز در آورند و بهمان یک خرس بیاندازند تنها در سایه سیاست استعمار بریتانیا موفق میشوند که مردم پاکدلو با ایمان این کشور را گول بزنند چون اگر درست دقت بفرمائید قسمت عمده فساد این جامعه برای این رشوه و ارتشاه بی سابقه ای است که در دستگاههای ما وجود دارد و این بی ایمانی و نوکر مآبی که در بعضی آژورهای ما وجود دارد اینها تمام ثمره وریشه سیاست شرکت نفت است و اگر این سیاست شوم خانمان برانداز از این مملکت قطع شود این مفاسدی را که به همراه آورده با خود خواهند برد و آن مزدوران هم دیگر موفق نخواهند بود زمامدار امور بشوند و آنوقت اگر چنین چیزی بود و دیگر عمل مزدوری هم زمینه تبلیغات پیدا خواهند کرد چون این ایرانی ایرانی اصل در نظرش روس و انگلیسی و امریکا و غیره فرقی نمیکند هر سه بیگانه اند هر کدام نظریات سوء و قصد نفوذ و مداخله در امور کشور ما را داشته باشند بیک اندازه منظور ملت ایران میشوند هیچ تفاوتی برای ایرانی نمیکند ولی متأسفانه برای یک عده ای انگلیس ها خودمانی هستند و رای یک عده دیگر هم روسها خودمانی هستند ولی ما ملت ایران هیچکدام از اینها را خودمانی نمی دانیم هر کدام که استقلال ما را حفظ کنند ما باو احترام میکنیم هر کدام حاضر باشد بطور تساوی و مثل بمثل با ما باشند با آنها دوست خواهیم بود و هر کدام بخواهند در کشور ما اعمال نفوذ بکنند و سیاست خودشان را رواج بدهند با او کمال دشمنی را خواهیم داشت (نمایندگان - صحیح است) ولی توجه بفرمائید تا وقتی که مزدوران انگلیس در این کشور ریشه دارند مزدوران روسی هم یک زمینه صاف و مهیائی برای فریب جوانان یا کابل و با ایمان و صمیمی این کشور خواهند داشت و همین جهت این مزدوران شمالی هم که خوب خطر را حس کرده اند خواهی نخواهی در این موقع بفتح شرکت نفت کار میکنند این موضوعی است که من نوشته ام ولی در اینجا نمیخواهم مصدر آقایان معترض بشوم ولی دانسته باشید که این عده هرگز میل ندارند پیش از آنکه نیروی اجنبی شمال وارد این کشور بشود نیروی جنوب از این کشور بیرون برود اینها خوب می فهمند که اگر با استکار ایرانیانی که تحت نفوذ شرکت نفت نیستند نفت ملی اعلام شود و ایران از سیاست استعماری بریتانیا خلاصی پیدا کند در نتیجه آن حال طبقه سوم این مملکت اصلاح خواهد شد و آنها دیگر هیچ امیدی برای پیشرفت تبلیغات خود نخواهند داشت و بنام معنی دکانشان تخته خواهند شد **پایان تکرار میکنم منظور من این نیست که تمام**

کسانی که در حزب توده رفته اند همان بیگانه اند عده آنها بسیار معدود است که چند نفرشان هم در کارهای عالی آن حزب واردند ولی عده بیشتری را فریب داده اند و حالا هم تیمسار معظم نخست وزیر معترم آن زندانیان سیاسی را فرار داده اند چون این را مجلس شورای ملی بداند که اگر تیمسار نبود ممکن نبود ده نفر بتوانند اینطور از زندان قصر بیرون بروند فرار در روز جمعه که باز پرسها تعطیل است ، ادارات تعطیل است بیک افسر نا شناس درجه بدهند که این ها را بیاورند برای معا که برای کدام معا که میگوئیم که برای توده ایها محکمه فوق العاده تشکیل داده بودند آقای خسرو روزبه دوست صمیمی آقای رزم آرا که محکومیتش قطعی بود این دیگر باز پرس نداشت این چهارم شد که هیچکس متوجه نشد فقط تصدیق و تقریر بود که با آنها فرار کردند این را هیچ ابهامی باور نمیکند یک عده بنده بعنوان ملاقات بسکی از زندانیان رفتم بنده خودم کاملا به محیط داخل زندان آشنائی دارم و هم ملاقات زندانیان رفته ام وقتی که یک زندانی را میخواهند ببرند برای معا که ۲۴ ساعت قبل جارجی در راهروی زندان فریاد میزند که حسن علی جعفر فردا ساعت هشت باید برود در محکمه هیچوقت نمیکوند که آقا لباس را به پوشید بروید در محکمه این کار سابقه ندارد و این از آن مواردی است که تیمسار معظم خواسته اند رشوه سیاست شوری بدهند حالا این از موضوع ما خارج است بنده نمیتوانم کسانی که با استفاده از منافع شرکت نفت و سیاست امپریالیستی بریتانیا جوانان این کشور را فریب میدهند با آنها این طور وانمود میکنند که این انگلستان بسیار مقتدر است و ما هم هیچ راه خلاصی نداریم جز این که متوسل به مسایه شمالی بشویم و با این استدلال سفله آسب آنرا فریب میدهند ولی این غلط است ما اگر میخواهیم این کشور را با انقلاب و کمونیستی تکسیم باید نشان بدهیم که ایرانی قادر است روی پای خودش بایستد ایرانی احتیاج ندارد که از نفوذ یک بیگانه بنفوذ بیگانه دیگر بنام بردن در همین حال که بر روابط صمیمانه با دولت همسایه خود شوروی نهایت درجه علاقه را دارم نمیتوانم آن سعی و کوشش را که برای اعمال نفوذ در کارهای داخلی ، از طرف عمال آنها میشود تحمیل نمایم و این را مضرتترین عامل مغرب دوستی بین دو کشور میدانم بالاخره ملی شدن صنایع نفت و کوتاه کردن دست انگلیس ها تنها راه خلع سلاح آن دسته ای است که عرض کردم روزنامه های نفتی سیاست انگلیس را بسیار قادر و مقتدر در این مملکت جلوه میدهند و بر مردم و حتی بخواس اینطور وانمود می کنند که مبارزه با انگلیس امری معال است روزنامه های چپ نما هم عینا این تبلیغات را می کنند و از سیاست استعماری انگلستان یک تشنج هولناکی ساخته اند که بدون اجازه آنها هیچ چیزی در این مملکت مقدور نیست اینها تمام بنظور ایجاد شده در بدو تاریخ روح باس و بدبینی در جوانان این کشور است این ها فقط برای این است که مردم را متوجه قیله گاه شمالی خودشان بکنند و برای همین منظور است که می بینم روزنامه های که از شرکت نفت پول میگیرند با از اعتبار مغفی دولت یا از اعتبار هلنی دولت پول می گیرند یا

روزنامه های روسی بطور يك نواخت بنا که حافظ منافع ایران هستیم بخش می دهند این برای پیشوای محبوب ما و برای ما منتهای افتخار و سر بلندی است که روزنامه های انگلیسی و روزنامه های رزم آرائی و روزنامه های روسی يك نواخت با فحش می دهند این برای ما کمال خوشرفقی است که روزنامه های ما را توقیف کنند و قلم های ما را بشکنند ولی با آنها کسی کاری ندارد آقایان این روزنامه های نفتی را من معرفی می کنم ملاحظه بفرمائید اگر بخواهید ببینید که دولت چقدر کمک می کند به آنها آنها را می شناسید ملاحظه کنید یک روز نامه ای است که دو صفحه ، سه صفحه آنها تمام اعلانات دولتی است یک روزنامه هائی است که اگر از اداره تبلیغات تحقیق کنید می بیند که ۲۰۰ تا ۳۰۰ تا فروش نمیشود چطور است که تمام اعلانات دولتی بر خلاف قانون تمام با اینها داده می شود این که می گوئیم برادر این نیست که ما احتیاجی با اعلانات دولتی داشته باشیم ، هیچ احتیاجی با اعلان دولتی نداریم ولی برای این که توجیه بدهیم به آقایان که ببینند چطور منافع شرکت نفت و سیاست بریتانیا و دولت جناب آقای رزم آرا با هم کار میکنند این دودسته بطور متقابل با هم کمک میکنند سیاست انگلیس بهانه تبلیغات بدست عمال روس میدهد و عمال روس هم بهانه بدولت ها برای تطبیق در کار آزادی خواهی جوانان میدهد بروید ببینید اینها را رسیدگی کنید ببینید از این اشخاص که بجرم توده ای و تبلیغ مرام اشتراکی میگیرند چند نفرشان توده ای و چند نفرشان اصلا با هیچ حزبی بستگی ندارند فقط برای اینکه با روس هم مخالف بوده است فقط برای این که گفته است نفت را نباید با انگلیس داد بجرم توده ای میگیرند او را اگر این فجایع را بخواهم توضیح بدهم تفصیلات زیاد میشود و بنده نمیخواهم که زیاد صحبت بشود اعضای جبهه ملی مانند تمام ایرانیان آزاد و با شخصیت عقیده دارند که مبارزه برای استقلال و تمامیت ایران و حفظ آن تمامیت و برای برقراری عدالت اجتماعی و استیفای حقوق ایران باید فقط با تکیه و با اراده خود ملت باشد ما ها همه معتقدیم حقا که با عقوبت دوزخ برابر است ، رفتن بیامردی همسایه در بهشت ، ما نمیخواهیم بیگانه استقلال ما را حفظ کند اگر قادر هستیم خودمان حفظ کنیم اگر قادر نیستیم خودمان نفت خودمان را استخراج کنیم اگر قادر نیستیم که لازم نیست زنده باشیم برای ما فرق نمیکند که روس باشد ، انگلیس باشد یا امریکا (نمایندگان - صحیح است) و برای رسیدن باین هدف نه تنها مطمئن هستیم که امکان دارد بلکه در اوضاع و احوال فعلی دنیا ملی شدن صنایع نفت یکی از ضروریات است بنا بر این جبهه ملی تا آخرین رمق و نفس بازرسی با پشتیبانی ملت ایران مبارزه با این گونه بیگانه پرستی ها را ادامه خواهد داد و برای استیفای حقوق ایران و برای ملی شدن صنایع نفت با فشاری خواهیم کرد اگر آزادی خواهان و محترمانه نشان ما در راه بخار نیست آقایان امریکائیه حقیقه میخواهند با کونست مبارزه کنند و حقیقه یعنی از بریت و آزادی به ما نشان خوردند است یک کمک با میتوانند بکنند و آن اینست که در امور داخلی ما مداخله نکنند و مانع مداخله انگلیسها بشوند تا ما صنایع نفت خودمان را ملی کنیم احتیاجی

هم بکنم آنها نخواهیم داشت در آنوقت هم قول میدهم که سدی در مقابل کمونیسم باشیم ولی با قایان بنا وقتیکه امریکا و انگلیس با پشتیبانی کردن از دولت های مقتدر یوشالی بخواهند با ما اینطور رفتار کنند مطمئن باشید که هر ساعت و هر دقیقه ما صد قدم بطرف کمونیسم نزدیک میشویم برای شرکت نفت و دولت انگلستان موضوع نفت جنوب یک موضوع مادی و استفاده ایست و بایه نفت مادی گذاشته شده ولی برای ما اساس و پایه کار و اساس ارزش ایرانیان از لحاظ انسانی میباشد صنعت نفت اگر ملی شود و انشاء الله هم خواهد شد و اگر نا خدا جامه برتن درد ، نه فقط مقداری از احتیاجات و ضروریات ما را تأمین خواهد کرد بلکه احتیاج ما را از قرصه بیگانه بکلی مرتفع خواهد ساخت و آقایان نخواهند توانست با دادن قرصه های مفتضح ۲۵ میلیون دلاری که ۹ میلیون فرع به آن تعلق می گیرد و اجناس بنجل خودشان را آنجوری که اعلیحضرت همایونی فرمودند ما بفروشد آنهام بقیه نفتی خیلی گران اگر دولت امریکا حقیقه مقصودش مبارزه با امرام کمونیسم است و اگر قصدش این نیست که یک رقیب استعماری و اقتصادی خودش را از میدان بیرون کند برای اینکه جای او را بگیرد با کمک کند با مداخله نکردن در امور ما کمک کند باینکه مستر نورتر آنها نقشه شوم تجزیه ایران را بسپهد رزم آرا ندهند ، کمک کنند که انگلستان در امور داخلی مداخله نکنند ، کمک کنند که جاسوسان مار کداز انگلیسی علی رغم تمام مجلس و علی رغم تمام ملت ایران و علی رغم شاهنشاه بتمام این مملکت مسلط نشوند آقایان فراموش نکنید آقای رئیس تبلیغات همین شاهزاده ساسانی که در بران جاسوسی انگلیسها را میکند تمام این مجلس در ششماه پیش اخراج او را خواستار شد تمام گفتند این باید برود ، یادتان باشد آن روزی گرفت آنکسی را که گذاشته بود پشت رادیو بزبان کردی صحبت کند وقتی که ابلاغ انفصال شاهرخ بدستش رسید برداشت بزبان کردی تبلیغ کردن که قیام کنید حکومت هر کزی چنین است اینطور است فاسد است پدرسوخته است ، این کسی بود که آقای رزم آرا در رأس اداره تبلیغات گذاشته بود شاهرخ رفت از ریاست تبلیغات در حالی که تمام مجلس خواهان رفتن شاهرخ بودند من سؤال میکنم از آقایان نمایندگان محترم که کدام یک از آقایان میل داشتند شاهرخ رئیس تبلیغات بشود هر گز میل داشت بگوید این تبت میشود در تاریخ کی میل داشت نه بکنفرانز و کلای مجلس نه از اکثریت و نه از اقلیت موافق با این امر نبود شاه مملکت ما موافق نبود آقایان آن روزی که من گفتم که شاه ما مثل یک آهونی دردست اینها اسیر است برای اینچیزها بود فرصت نشد بگویم هزاران از این چیزها هست چطور یک بقال ممکن نیست در روی کسی نگاه بکنند که فحش خواهد و مادرش داده است آن داده ، ریکت ترین اهانتها را کرده است این شخص رئیس تبلیغات بشود شاه ما را رضی نبود تحمیل کردند (رفیع - نباید این حرف گفته شود) من هم همین حرف را میگویم که باید این عرض شود کسی هست که بگوید اعلیحضرت شاه موافق بودند و بیول و رغبت خودشان اجازه دادند که شاهرخ رئیس اداره تبلیغات

شود ؟ مجلس جای بحث و گفتگوست بجای موافق و مخالف است هیچکس این ادعا را نمیکند که بگوید شاه بیول خودش اینکار را کرده است ؟ چرا نمیکوئید عهه میدانید که شاه باید فرمان مدیر کلی بدهد رئیس - آقای دکتر بقائی شما از موضوع مذاکره تمام خارج میشوید موضوع نفت است و تمام مذاکرات شما راجع بمطالب خارج دیگر است باید در اصل موضوع صحبت بکنید آنها امروز مطرح نیست **دکتر بقائی** - چشم تمام این مطالب دور نفت دور میزند و ما که برای حفظ مشروطیت و برای حفظ قانون اساسی قسم خورده ایم می خواهیم وضعی پیش بیاوریم که مقام شامخ سلطنت محفوظ و مصون بماند می خواهیم طوری بشود که دیگر نتوانند یک جاسوس بین المللی مارک دار را بشاه تحمیل کنند ما برای این است که میخواهیم دست شرکت نفت و انگلیس ها را در این مملکت کوتاه کنیم در زمینه سلطه بیگانه اجازه نمیخواهم که یک بحث کوتاه و مختصری که لازم است عرض کنم تا قضاوت ما از روی انصاف و عدالت بشود آن بحث لازم تضاد و متناقض کاملی است که بین تمدن انگلیس و سیاست خارجی آن کشور است زیرا بطور تعقیق عمل سیاست استعماری و استعماری انگلیس با روح و ایده آل قاطبه ملت آزادی خواه انگلیس تناقضی دارد فراموش نکنید که ملت انگلیس اولین ملت آزاد دنیا است تمام ملل مشروطیت را در قرون اخیر از انگلستان گرفته اند و در پرتویک نوع تربیت خاص اخلاقی و اجتماعی انگلیسها در دنیا ملتی درست کردند که دارای یک وضعیت ممتازی هستند در قرن هجدهم در موقعی که در فرانسه استبداد برتر از بود مونتسکیو و لوترها روسوها افکار و سنن آزادی خواهی آزادی سیاسی آزادی فکر آزادی مطبوعات عدالت اجتماعی و تمام اینها را از انگلستان بفرانسه سوغات آوردند و ملت انگلیس همیشه نشان داده است که کایه ارزش های روحی و معنوی و اخلاقی و بشری را محترم شمرده و کمک کرده است در انگلستان هنرمندان و شعرا و حکامائی بوده اند که در درجه اول در دنیا قرار دارند یک شکسیر برای افتخار یک قوم کافی است اگر بخواهم اسامی شان را بگویم خیلی طولانی میشود ولی وقتی که بتحول اجتماعی انگلیس نظر میکنیم می بینیم که باچه متانت و سلامتی قدم بقدم آزادی خودشان را بدست آورده اند اما وقتی که سیاست خارجی آن نگاه می کنیم سیاست استعماری انگلیس می بینیم که یک تضاد بین با روحیه خود ملت دارد در اینجا مشاهده می کنیم که هر چه در نهاد و تربیت ملت انگلیس روح آزادی و آزادمنشی و آزادی خواهی و اعتماد و تقوای سیاسی و اخلاقی وجود داشته در سیاست استعماری روح خیانت و بی پروائی و وحشیکری و خونریزی و خود سری وجود دارد ولی این سیاست خارجی یک ایده آل و هدف دارد که از سیاست و روش های قدیم انعقاد شده نتیجه و آن این است که در داخله انگلستان آزادی و آسایش افراد ملت در خارج سلطه فترائی حکمفرمائی میکنند ملت این تضاد را بنده حبالا عرض میکنم که چطور این ملتی که این طور روح آزادی خواهی و بشریت دارد یک همچو سیاست خارجی

آشنا هستند خیلی ساده است و آن این است که می بینم در قریبهای شان زدهم و مفهمم در زمان سلطنت مانند هانری هشتم یا ملکه الیزابت ، برای عظمت امپراطوری انگلستان ، دولت انگلستان ، پادشاه انگلیس یا ملکه انگلیس از وجود دزدان دریائی استفاده میکنند این اشخاص که بیسته راهزنی در دنیا داشتند یک کشتی داشتند در دریا که مسلح هم بود میرسدند بکشتی های تجار تی و غارت میکردند اینها اولین پایه ایست که در کلنی های انگلیسی برودند و مأمورینی که برای کلنی ها می فرستادند از بین همین دزدان دریائی یعنی از جنایات کاران و مجرمینی که در حبس محکومیت داشتند تبعیر ستانند با آنها مأموریت میدادند که بروند فلان کلنی را اداره بکنند و انگلیس ها را میدانیم یک ملتی هستند که برای حفظ آداب و سنن قدیمی خیلی دقیق هستند که آنها را اجرا کنند و کوشش میکنند بهمین جهت اعقاب همان دزدان دریائی و احفار همان جنایات کاران که از حبس هارا میگردند که بروند در کلنی ها همان سیاست خارجی انگلستان را اداره میکنند باین جهت است که یک نفر آدم مطلع تعجب نمیکند وقتی که می بیند یک انگلیسی در انگلستان یک چنتلن بتمام معنی است و در خارج از انگلستان از قماش و کرباس همان مزدورانی است که برای خودشان انتخاب میکنند یعنی حاضر بهر کاری هستند هر کار بشما کارها اطلاق میشود و مزدوران انگلیسی حاضر بهر کاری هستند و مطلب شنیدم که امیدوارم مال این کشور نباشد مال یکی دیگر از کشورهای خاور میانه باشد ولی جریان نشان خواهد داد با مراجعه بروزنامه ها و اخبار خارجی خواهید دید که از کجا سرور خواهد آورد میگویند که در یکی از ممالک خاور میانه هم صحبت از نفت است و چون ممکن است که برای انگلیس ها از تویش چیز خوبی دریابد دو دستور دادند که هر کدامش شد اجرا بکنند یک دستورش این است که دولت آن کشور خارجی بیاید لایحه ای را که بمجلس داده شده است پس بگیرد دستور دوم این است که بعضی از وکلای آن پارلمان پیشنهاد بدهند که آن دولت جاسوس خودش مأمور مذاکره با انگلیس ها بشود آقایان خواهش میکنم توجه کنند با اخبار خارجی این چند روز ببینند در جاسوسهای یک چنین پیشنهادی یا یک چنین استزدادی در آمد مسلم بدانند که دستور انگلیسها بوده و آنها نوسکر انگلیسها هستند و برای عظمت امپراطوری انگلیس این مأمورین انگلیسی که وضعیت را عرض کردم باید که قهر و غضب و بایک سلطه آمرانه سیاست استعماری و استعماری بریتانیا را مانند سیاست استعماری و استعماری روسیه تزاری اجرا میکنند چون اینها در یک مدتی از تاریخ بطور توازن با هم پیش میروند (جمال امامی - یواش یواش با زهم دارند پیش میروند) اینها برای پیشرفت مقصدشان از هیچگونه خیانت و فضیحت و هیچ فجایعی خودداری نکردند و برای اینکه موقعیت خودشان را حفظ کنند زجر و شکنجه قتل و اعدام شهرها هر نوع عمل بیرحمانه و غیر بشری که فکر کنید مرتکب شده اند و باز هم میشود و در دربار انگلیسها در هندوستان پیش چشم همه هست اما اینها بتند در ندارد ولی یک موضوعی که شاید برای آقایان تازه کی داشته باشد موضوع رفتاری است که انگلیسها با

برادرانی هم جواز همسایه های خودشان یعنی ایرلندیها در طول تاریخ داشته اند ایرلند يك جزیره كوچكي است كه تقريباً چسيده به جزيره بریتانیا است وسكنه آن از نژاد كلت باسكت هستند كه قوم وخویش با آنكلوساكسن بشوند و بهرچوچه از لحاظ نژاد و تمدن است تراز انگلیسها نبوده و نیستند و از افتخار ایرلندیها همین بس كه يك نفر مثل برناردشاو كه در همین چند روز قبل مردداشتند كه يكي از ستاره های درخشان ادبیات و سیاست یعنی يكي از اشخاصی است كه ميتواند با سمدیها و حافظ های ما يكجا نشیند با این همه وقتی كه داستان معروفیتها و زجرها و شكستهای این ایرلندیهای بیچاره را در زیرمه میز انگلیسها بخوانید و ببینید كه این ملت كوچك با این خاك دو جویی خودش چه جور استقامت كرد و چه جور ایستادگی كرد و چند قرن طول كشید تا بالاخره خودش را نجات داد آنوقت درست انگلیس هارا خواهد شناخت سرزمین ایرلند بعلت اینکه سكه قسمت جنوبیست متدین بدین كاتوليك بودند و مذهب پرستان انگلیسها را قبول نكرده بودند سالهای سال تحت رنج وقشار و شکنجه بودند تا بالاخره بعد از این كه هزاران كشته دادند هزاران سختی و مشقت كشیدند در سال ۱۷۹۳ حق رأی دادن بدست آوردند حق رأی دادن نه انتخاب شدن بلكه انتخاب كردن یعنی آنها حق داشتند كه برای پارلمان ایرلند هر كدام از آقایان انگلیسها را كه دلشان میخواهد انتخاب كنند ولی متأسفم كه ما هنوز حق ایرلندیها را هم بدست نیآورده ایم ماملت ایران هنوز حق نداریم كه بگوئیم كدام يك از نوكر هایتان بر ما حكومت كنند هر كدام را آنها میخواهند ما باید تبعیت بكنیم ولی همانطور كه این ایرلند ضعیف و بیچاره و كم جمعیت ككه در این انگلستان قراردادش موفق شد كه بعد از این حق تمام حقوق را بدست بیاورد یعنی سبتو این انگلیسی شناخته نشود و بعد از آنهم با فشاری كرد تا استقلال خودش را بدست بیاورد بغواست خدا و پشتیبانی ملت ایران ما هم از همین حقوق كوچك اول شروع می كنیم و بزودی تمام حقوق خودمان را بدست خواهیم آورد و همانطور كه انگلستان با آن عظمت بروزش آنها نرسید فكر نكنند كه برای خاطر بشریت كاری نكردند و حق آنها را دادند خیر كشتارهایی در ایرلند كردند كه تاریخی است و همه میدانند زندهای ایرلندی در لندن جلوی كلوپه مسلسل دویند زیر ترموای خوابیدند صدها و هزارها كشته دادند تا حقوق خودشان را بدست آوردند آنوقت ما كه حالا هیچ همسایه انگلیس هم نیستیم ديگر تمام شد يك وقتی ما دروازه هندوستان بودیم و همسایه انگلیس حالا كجا همسایه هستیم ديگر تمام شد ما باز در اثر تقببات يك مشت مزدور و يك مشت جاهل يك صدهم هستند مزدور نیستند ولی جاهل و نادان هستند ميگوئيم زورمان نرسيد آقایان ما كجایمان از ایرلندیها كتر است چرا باید این روح یاس را داشته باشیم و فكر كنیم كه زورمان نرسيد كجای ما از ایرلندیها كتر است شما تاریخ دنیا را نگاه كنید ببینید انونوزیها همچوقت يك مملكتی بودند آنها توانستند خودشان را نجات بدهند هندوستان خودش را نجات داد مصر خودش را نجات داد ما

از غضب خودشان را میفروند ولی من دلم میخواسته كه بجای يك نفر از این آقایان بودم و با اردنگی اورا بیرون میگردم فكر نكنید ما این جریان را فقط نوي روزنامه خودمان نوشتم (صحت كرك انداخت معذرت میخواهم) جریان رفتن اعلیحضرت بيازديد آسایشگاه انگلیسها اينطور بود كه اول تقاضا كردند دربار نيدرقت بالاخره بعد از آمد و رفت های زیاد بعد از وسوسه های بعضی از این رجال كه حضور اعلیحضرت هستند قضايه باين ترتيب قطع شده بود كه اعلیحضرت برای بازديد آسایشگاه به شاه آباد آسایشگاه مسلولين تشریف ببرند ضمناً يك نگاهي هم با آسایشگاه شركت نفت آبادان بكنند آنهم آسایشگاه ناتمام يادان باشد كه چه موقعی بود در موقعی بود كه نامه مسلولين شركت نفت این جا خوانده شده بود اينها بهرچيزی فوری جواب میدهند بهر حال این عكس گراور شد در بعضی روزنامه ها این عكس تشریف فرمائی اعلیحضرت را گراور كردند فقط همین عكس بود كه نورنگرافت این جوری ايستاده بود (دست به پشت) آخر شما می دانيد كه وقتی كه اعلیحضرت مساوتونی يك جانی تشریف می برند سه وزارت عكس از ایشان بر میدارند این بی جهت نیست كه فقط يك عكس توی روزنامه انداخته شود آخر مگر شاه در آسایشگاه شاه آباد ترفته بودند ؟ مگر در قسمت درمانگاه ترفته بودند ؟ چه جور میشود كه فقط این يك عكس منتشر میشود این طبق يك نقشه بود شركت نفت برای این كه شما ما را و ما هار ایرانیان را مرعوب كند نقشه كشيده بود كه این عكس بر داشته شود و این را فوری فرستاده بودند آبادان كه پشت جلد مجله اخبار هفته چاپ شود ما این شرح را توی روزنامه نوشتم يكي از كارمندان شركت نفت بن اطلاع داد كه همان بعد از ظهر دستور دادند در آبادان كه آن عكس چاپ نشود و در چند شماره ديگر در روزنامه خبرهای روز و مجله اخبار هفته همه اش يك عكس هائی از نورنگرافت باحال خضوع و خشوع يك جامه بپوشیدم خم شده پهلوی والا حضرت شش و يك جادست بسته پشت سر سپهبد جهانبانی ايستاده است آن كسی كه جلو شاهنشاهما این جور ايستاده بود پشت سر جهانبانی دست بسته ايستاده بود برای چه ؟ برای اینکه يك تودهنی خورده بود جا خورده بود ترسیدند آقا دیدند چه كاری كردند و اگر ما ترسیم و اگر این رجال ما كه مأمور مذاكره هستند این قدر دست فطرت و این قدر فرومایه نباشند نورنگرافت نمی توانند بخودشان اجازه بدهند جلوشاه مملكت ما دستشان را پشتشان بگذارند و بهمين جهت است كه میخواهيم و يقين داريم تمام نمایندگان وطن پرست هم با كمك خواهند كرد كه دست این دزدان در بائی را کوتاه كنيم روش سياست استعماری انگلیس بصورت دو مکتب خاص و معروف در طول تاریخ جلوه ميكنند یعنی دورویه استعماری در انگلستان وجود دارد ولی متأسفانه كریه ترین و زشت ترین روش متداول شده الان در این جا كتابی دارم نویسنده اش كاستون دومرین لایب آقای هامری می شناخته اند سایر آقایان هم كه در داد كستری تشریف داشتند می شناسند مدتی مستشار مملكت ما بودند در ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ این كتاب باسم مسائل ایرانی است و در ۱۹۱۶ منتشر شده این كتاب

مال كتابخانه خودتان است آقای دكتر هدایتی مال كتابخانه دانشكده حقوق است و يك ارزش تاریخی هم دارد زیرا يك یادداشت هائی از مرحوم داور در حواشی آن نوشته شده است و معلوم است كه آن مرحوم هم این كتاب را خوانده است و مطالعه كرده است این شخص علاوه بر این كه مستشار حقوقی دولت ایران بوده مدتها نیز استاد مدرسه علوم سیاسی قدیم بوده و لابد قدماتی حاضر در مجلس كه آن مدرسه را خوانده اند یا شاگرد آنجا بوده اند یا همكار او بوده اند آقای هامری لابد همكارش بودند (يك نفر از نمایندگان - ۱۰۰ كرد بودند) چهارم شاگرد بودند ۱۹۰۹ كه چهل سال پیش بیشتر نیست (خنده نمایندگان) در این كتاب راجع بروش های استعماری انگلستان بتفصیل بحث كرده است و این هم چیزی نیست كه دومرین از خودش در آورده باشد اینها يك چیزهائی است كه در كتاب های خود انگلیس ها نوشته شده و بحث ها شده است كه كدام روش را انتخاب كنند در روش هست يكي روش با مکتب منچستر یا مکتب گلاستون همان گلاستون معروف خودتان این روش مربوط با آزاد بخوانان و باصلاح لیبرال های انگلیس بود كه مشهور بشر دوستی و نوع دوستی و آزادی خواهی بودند طبق این روش كه می خواستند منافع مادی و معنوی و نفوذی انگلیس را تأمین بكنند سعی میگردند كه پایه های استعمار انگلستان را در يك ملایمت و عدالت نسبی قرار بدهند و مدتی هم در هندوستان و سایر جاها بهمين روش عمل شد روش دوم معروف ب مکتب حفظ منافع هند است این مکتب كه يك روش خشن و سب و قهر آلود و درنده است و بوده و مبتكرش محافظه كاران حزب محافظه كاره قدیمی انگلستان بوده یعنی امثال لرد گرزن ها كه از آنها بمشتر چرچیل با رت رسیده و حالاهم با وجود اینکه حزب محافظه كاره سركار نیست و حزب كارگر سر كار است از مشتر چرچیل هم عیناً بجناب مشتر بوین و آقای كلمنت اتلی رسیده است و بر طبق این روش است كه در كشور ما روش عمل میشود البته روشهامم برای مقابله با انگلیس ها در استعمار كردن خودشان آنها هم يك روش استعماری داشته اند كه موسوم است بروش بغارا اكل دو بوكارا چیزهائی در این كتاب نوشته كه خواندنی است روشها از حفظ منافع هند انگلیسها مخوف تر است و شدید تر است ببینید اینها يك مسابقه وحشتناکی با هم گذاشته بودند در يك قسمت از دنیا نسبت بيك هده از ملل ضعیفه كه ما ها خودمان همیشه شاهد و ناظر بوده ایم و یا اگر خودمانهم بغاطر نداریم از پشیمان اطلاع پیدا كرده ایم كتر خانواده ایرانی هست كه با يكي از این دوروش آشنائی خاصی نداشته باشد نهایت خانواده های اصیل ایرانی و حقیقی ایرانی آشنائی شان از این لحاظ است كه یا پدر یا همو یا جد یا برادر یا مادرشان در اثر اعمال يكي از این روشها نابود شده اند و هستی شان بیا درفته است يك صده از این خانواده ما هم هستند كه آشنائی آنها با این روش از این لحاظ است كه عمال این روش بودند و بهمين جهت است كه سكار می آید می گویند ولی ملت ایران امروز میخواهد با حال روش استعماری خواه از مکتب منچستر و خواه از مکتب هدایتی كینند باید بروند این روشهاشان را جای ديگر عمل بكنند (آزاد - در برلین) در ایرلند ديگر نمی توانند و اگر هم وسیله میخواهند و آدم كم دارند ما حاضریم يك صده از اشخاصی كه بطرز عمیق این روشها آشنائی دارند آشنائی كامل دارند تقدیم شان كنيم ببرند روش مکتب حفظ منافع هند یعنی مجهز كردن دوست چاقو كش برای ريختن يك چاپخانه یعنی كمك گذاشتن سيصد پاسپان دوروبر يك خانه زموار در رفته بهرچسك نیامد ببرسد كه شهر بائی برای چه سيصد چهارصد پاسپان در این كوچه خانه من گذاشته بود این را باید برسید را دوروبر خانه من گذاشته بود این را باید برسید این دستور روش حفظ منافع هند است دستور آن مکتب است كه برای رسیدن بقصد هیچ چیز اكلنا نباید كرد و شما بدانيد كه اگر قوت روح كه در آتش هفتاد نفر ایرانی در داخل خانه من رسد ها نفر در خارج خانه نشان دادند نبود چه میشد و اینها نماینده تمام طبقات ایرانی بودند مال يك طبقه نبودند توبش تاجر داشت دست فروش داشت كه اگر روز كسب نكند شب شام ندارد فرق رفته داشت طلاب علوم دینی هم داشت متولهم داشت فقیر هم داشت آنها كه تو آمده بودند و ما دیدیم و شناختم اینها تا صبح ماندند تا ساعت سه و نیم بعد از نصف شب كه من خودم رفتم دیدم هنوز صد نفر اشخاصی كه من نمی شناختم توی كوچه ايستاده بودند حالا آتانهائی كه توی خانه برای دفاع آمده بودند من می شناختم یا از دوستان بودند یا از سازمان بودند یا از مجاهدین اسلام بودند كه آمده بودند برای دفاع من ولی مردم توی كوچه را كه من نمی شناختم و باسم دعوت نكرده بودیم فقط گفته بودیم بیایند و آن ها جای گرم بی كرسی را ول كرده بودند در آن سرمای سخت تا صبح ايستادند ب كطرف كوچه دو ردیف پاسپان گرفته بودند كه مأبور بودند در صورتی كه چاقو كشا نتوانستند كاری بكنند آنها بریزند و رو بر روی اینها مردم ايستاده بودند آقا ملتی كه يك چنین امتحانهائی میدهد زنده است و ملتی كه صدم با دوست نفرش بیشتر یا كتر حاضر می شود كه شب تا صبح بدون آنكه باسم خوانده باشند اگر فلان آقایانی كه من نمی شناسم وصورت اورا هم كه من از پشت بام ندیدم مگر كسی از او كه می كرد كه آقا چرا نیامدی این را فكر بكنید كسی نمی توانست كنه بكند از پشتی كه كسی نمی شناسد كه چرا ترفتی توی آن كوچه دفاع كنی این ایرانی بی نام و نشان و كتمانى كه بدون اینکه بخواهد خودش را نشان بدهد بیاید ساعتهاى متوالی در توی يك كوچه می ایستد و بعد هم بدون اینکه در بزند و بگویند كه من تا صبح ايستاده بودم از من تشكر بكنید رفته بود این ديگر فقط نمی دهد كه جناب آقای فروهر هر چه هم شما خنده كنید این خنده شما فقط نمی شود این خنده های استهزاء رمان خبیلی دیشم خبیلی از این خنده ما من دیدم (فروهر - بند هیچوقت كریه نمی كنم) در مقابل خبیلی چیزها حتی در موقعی كه ما می گفتیم كه كه سیویون قرارداد الحاقی را رد خواهد كرد يك صده ان همین طور خنده می كردند و شاید این اقرار نباشد كه منم آن روز های اول باور نكرديم كه كه سیویون رد بكنند ولی بالاخره رو كرد و آنجا چاك كردی كه با اتفاق آراء

فولادوند - با خنده خوشحالی
يكی از تماشاچيان - خنده هزير است
رئيس - از طرف تماشاچيان بود كه این صدارا كرد ؟

بعضی از نمايندگان - بنی
رئيس - اخراجش كنيد
جمال امامی - آقا مختصر بوديم بی ندارد
رئيس - آقای جمال امامی مزاح نفرمائيد دخالت نكنيد

دكتر بلقانی - اينها با استفاده از علومى كه در سايه مجاهدات و سعى بدست آورده اند و با استفاده از روشهای علم الاجتماع و روانشناسى سعى ميكنند در كشور هائی كه مى خواهند رسوخ بكنند مهار و سرنوشت منابع و مرا كز قدرت را بدست مى گيرند اينها بوسيله دسيسه و آنتر يك در دربارها بوسيله تيريك در بعضی از خانواده ها و دو دو مانها بوسيله رخنه كردن بين روحانيون بدست بكنده اشخاص غير روحاني ولی ملبس با لباس روحاني بوسيله وارد شدن در بين سران عشائر اينها با استفاده از تمام روشهای ممكنه نفوذ خودشان را بسط مى دهند حسابهای بزرگ سلاطين را در مملكت خودشان بلو كه مى كنند و هزار كار ديگر مى كنند برای اينكه همیشه آن طبقه بالای كشور را در حال ترس و لرز نگاه بدارند و قتي كه اينطور شد نتیجه اين مى شود كه يك وزير دارائی در يادداشت مجرمانه خودش برای يك يادوی انگلیسی يك آقا چوچه انگلیسی بجمع خطاب بكنند همان وزير دارائی در يادداشت های خود راجع بشام در يادداشت های خود بنويسد شاه گفت ولی مشتر فریزر گفتند و مشتر كس و مشتر فریزر بكنيم يون تشریف آوردند در این زمينه ديگر نمیخواهم صحبت كنم بحث خبیلی طولانی می شود می گذريم ولی منطبق معیج و عقل سلیم حكم می كند كه تنها راه استخلاص و آزادی ایران از يوغ مغروس سياست استعماری قطع كردن دست خارجی از نقطه ایران است اگر زور و نیرو مسلحانه داشتيم می بايست اينها را بزور بيرون كنيم ولی نیروی مسلحانه ما نداريم و احتياج هم به آن نداريم باید با اصول و موازين منشور ملل متفق و اعلاميه حقوق بشر كه بدست خود انگلیسها امضاء شده است و با توسل بكنیه عوامل بين المللی كه خود انگلیسها جزئی از آن هستند ما متوسل بشويم و چون امروز نفوذ سياسی و تفوق اقتصادی سياست استعماری بهماز منابع هند كه هنوز باقی است بصورت امتياز و قرارداد نفت در مملكت ما اجرا می شود تنها آرزوی ملت ایران کوتاه كردن دست این سياستمداران و انهدام ايران اين سياست استعماری شوم می باشد آقایان نمایندگان عمال را از این حرفها كندشه تازيخچه مبارزه نمایندگان بجهت ملی و بكنند ديگر از نمایندگان ایرانی نشان می دهد حبه هر

دارای امبال هستم ، از چیز خوب هر کسی خوشش میآید ولی شما غیر از آنهایی که ممکن است اغراض جلوی چشمشان را کور بکنند بیاید بزندگی من رسیدگی بکنید بزندگی دوستان من هم رسیدگی بکنید به بینید ما ها اگر بدین راهها وارد شده ایم لابد یک ماهه ازای بهتری داشته است والا برای ما بهتر بود که مثل بعضیها انشاءالله این دوره در این مجلس نیستند مثل آنها هم بکنیم خیلی آسانتر و بهتری می توانستیم عمل کنیم ولی بدانید آقایان که چون آدم با ایمان کار بکند و بخواهد با مردم کار بکند یک لذت و سعادت دارد که این دولتها ازش محرومند هیچکدام از این وزراء و وزراء حاضر البته مستثنی هستند جرأت نمی کنند توی یک ازدحام بزرگی وارد بشود و بگویند کاین آقای فرور است...

رئیس — در مجلس هم جرأت نمی کنند بیایند

دکتر بقائی — این است قضیه پس بیاید
 رعایت منافع ملت را بکنید بیاید جرأت کنید...
رئیس — تأمل کنید اکثریت نیست

(پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)

دکتر بقائی — پیشنهاد ملی کردن صنایع نفت را که با امضاء یازده نفر رسیده تقدیم مقام ریاست می کنم . . .

رئیس — اینکه امضاء کم دارد

دکتر بقائی — پیشنهاد است طرح نیست و اینها هم پیشنهاد ملی کردن صنایع نفت است که به آقایان نمایندگان تقدیم میکنم آقایان بیاید شما کمک کنید بیاید آنطوری که ملت از شما تقاضا دارد و آنطوری که وجدان امر میکند این پیشنهاد را امضاء کنید بما کمک کنید و یقین بدانید که ضرر نخواهید دید یک خورده نترسید همین کافی است .

۶ — **تقدیم یک فقره لایحه بوسیله**

آقای وزیر پست و تلگراف

رئیس — آقای وزیر پست و تلگراف یک لایحه دارند بفرمایند

وزیر پست و تلگراف (مهندس اشرفی) —

سعادت محترم مجلس شورای ملی — محترماً معروض میدارد ، چون در کشورهای بیگانه استفاده از دستگاه های فرستنده بی سیم بر طبق مقررات قانونی است و تاکنون برای این عمل در ایران مجوز قانونی وجود نداشته و طبق تصویب نهمه شماره ۳۸۱۷ مورخ ۱۳۱۳/۷/۱۳ که رونوشت آن تلواً تقدیم میگردد عمل میشد لذا با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و رعایت مقررات بین المللی لایحه ای که بامذورت مطالعین وزارتخانه های امور خارجه ، جنگ ، کشور ، راه ، پست و تلگراف و تلفن تحت چهار ماده و دو تبصره تهیه شده است به ضمیمه تقدیم و استدعای تصویب آنرا دارد .

۷ — **تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه**

رئیس — لایحه بکمیسیون مربوطه فرستاده می شود جلسه آینده روز سه شنبه ساعت ۹ صبح دستور بقیه گزارش نفت

(مجلس یک ساعت و نیم بعد ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — رضا حکمت